

بررسی نقش قابلیت های فناوری بر روی عملکرد مالی شهرداری ها با تاکید بر چالاکی سازمانی:

مطالعه موردی شهرداری بندرعباس

پونه تجلی فر

کارشناس ارشد مدیریت مالی دانشگاه آزاد قشم، p.tajalifar@gmail.com

حدیث عامری سیاهویی،

کارشناس ارشد مدیریت مالی موسسه عالی قشم، hadisss.ameri1372@gmail.com

نجمه سایبانی

دانشجوی ارشد مدیریت مالی دانشگاه آزاد بندرعباس، Najmehsaybani@gmail.com

چکیده:

با تغییرات مستمر در محیط سازمانی، شرکت ها ملزم هستند که خود را با محیط اطراف مطابق سازند، فناوری اطلاعات ابزاری را برای شرکت ها فراهم نموده است که باعث می گردد شرکت ها با چابکی و سرعتی بیشتری به این تغییرات واکنش دهند و عملکرد مالی بهتری داشته باشند. شهرداری بندرعباس با توجه به وظایف متعددی که در سطح شهر دارد بایستی به دنبال الگویی باشد که با چابکی بیشتر ضمن حفظ رضایت مشتریان عملکرد مالی مناسبی را نیز داشته باشد. یکی از راه های حفظ چابکی برای شهرداری بندرعباس استفاده از الگوی قابلیت های فناوری اطلاعاتی می باشد. روش پژوهش توصیفی و کاربردی می باشد و برای آزمون فرضیه های این پژوهش از آزمون تی و برای تجزیه و تحلیل از نرم افزار SMART PLS استفاده شده است. جهت اجرای بررسی میدانی تعداد ۱۲۹ عدد پرسشنامه بین مدیران و کارشناسان ارشد شهرداری بندرعباس توزیع شد. یافته های پژوهش نشان می دهد که شایستگی سیستم های فناوری اطلاعات و نگرش به سرمایه گذاری در بخش فناوری اطلاعات دو عامل مهم برای شرکت ها برای ایجاد قابلیت در بستر دیجیتال می باشند. همچنین شایستگی در فناوری اطلاعات می تواند بر روی چابکی سازمان ها اثر گذار باشد و با افزایش چابکی نیز نتایج نشان داد عملکرد مالی شرکت ها بهبود می یابد

کلمات کلیدی:

فناوری اطلاعات چابکی سازمانی، شهرداری، عملکرد مالی

مقدمه

با تغییرات مستمر در محیط سازمانی، شرکت ها ملزم هستند که خود را با محیط اطراف مطابق سازند، فناوری اطلاعات ابزاری را برای شرکت ها فراهم نموده است که باعث می گردد شرکت ها با چابکی و سرعتی بیشتری به این تغییرات واکنش دهند، اما واکنش صحیح ، واکنشی است که مطابق با خواسته های محیطی باشد. شرکت ها می توانند با افزایش شایستگی ها در فناوری اطلاعات ابزار منحصر به فردی را برای خود ایجاد نمایند که از طریق آن بتوانند چابکی سازمانی خود را افزایش دهند. در محیط متغیر امروز پاسخ سریع به تغییرات عامل مهمی می باشد و می تواند بقا یا عدم بقای یک سازمان را تعیین کند زیرا نیازهای مشتریان به سرعت در حال تغییر می باشد، از طرف دیگر برای اینکه بتوان به صورت صحیحی به این نیازها پاسخ داد نیاز است که سازمان، ظرفیت های نوآوری را در خود به وجود بیاورد. بنابراین می توان عنوان نمود در صورتی که سازمان ها دارای شایستگی های فناوری اطلاعات باشند ، امکان رسیدن به چابکی سازمانی برای آنها فراهم تر می باشد و با داشتن ظرفیت نوآوری می توانند ضمن پاسخ به نیازهای مشتریان و ذینفعان سازمانی عملکرد مالی سازمان را بهبود ببخشند.

سازمان ها امروزه با تغییرات زیادی در محیط های خود رو به رو می شوند سازمان ها نیاز دارند با

انجام فعالیت ها و استراتژی های خیلی سریع خود را با محیط تطبیق دهند. در محیط های به شدت رقابتی امروز چابکی سازمان های شایستگی مهم برای شرکت ها می باشد که تحقیقات مختلف نشان داده اند می توانند بر روی عملکرد مالی سازمان ها اثرگذار باشد (روای چاندر، ۲۰۱۷) تحقیقات تجربی تایید کرده اند شرکت هایی می توانند به تغییرات محیطی پاسخ دهند که بتوانند با فعالیت های نوآورانه با تغییرات محیط تجاری هماهنگ شوند و قادر باشد عملکرد مالی خود را بهبود دهند (فریر، ۲۰۰۱)

با بررسی در ادبیات پژوهش امروزه صرفاً تحقیقات مختلف به این سمت حرکت کرده اند که چگونه فعالیت های نوآورانه می توانند بر روی عملکرد مالی شرکت اثرگذار باشد اما این در حالست که یکی از عوامل مهم برای استفاده از ظرفیت نوآوری در سازمان، منابع و شایستگی های سازمان برای پاسخ به سریع به تغییرات محیطی یا همان چابکی سازمان می باشد. (فریر و لیون، ۲۰۰۴) این پژوهش با توجه به خلاء تحقیقاتی که در رابطه با فن آوری اطلاعاتی و شایستگی های سازمانی در ادبیات پژوهش وجود دارد به بررسی این موضوع می پردازد که چگونه سازمان ها با استفاده از شایستگی های فن آوری اطلاعاتی می توانند چابکی سازمان را فراهم کنند و از طرف دیگر نوآوری های سازمانی با در نظر گرفتن تغییرات محیطی چگونه می تواند بر روی رابطه بین شایستگی های فناوری اطلاعات و چابکی سازمان اثرگذار باشد.

پیشینه پژوهش

پیشینه ی نظری

فناوری اطلاعات در هر سازمانی امروزه بدون تردید یکی از ارکان هر شرکتی محسوب می گردد و مانند گذشته شرکت ها نمی توانند در خصوص استفاده یا عدم استفاده از فناوری اطلاعات تصمیم گیری کنند زیرا در هر سازمانی که در محیط پویا زیست می کند فناوری اطلاعات از ضروریات بقای سازمانی می باشد. فناوری اطلاعات در هر شرکتی می تواند جریان

اطلاعات را تسريع کند و شعب مختلف را از طريق بسترهای دیجیتال به يکديگر متصل نماید. امروزه شرکت ها از اين اصل مهم مبرا نیستند و برای بقا و پیشرفت در محیط امروزی نیازمند شایستگی های فناوری اطلاعات می باشند ، شرکت ها از طريق فناوری اطلاعات می توانند نیازهای مشتریان را طبقه بندی ، تلخیص کرده و از طريق آنها محصولاتی متناسب با نیازهای مشتریان را تولید نمایند. همچنین وجود فناوری اطلاعات جریان اطلاعات را در شرکت های تسريع نماید و این موضوع می تواند سبب چابکی در سازمان گردد. علی رغم نقش مهم فناوری اطلاعات در عملکرد مالی شرکت صرفاً از طريق فناوری اطلاعات نمی توان عملکرد شرکت را بهبود داد بلکه باید در شهرداری ها ظرفیت نوآوری وجود داشته باشد و سازمان ها از طريق نوآوری که در بخش محصولات خود به وجود می آورند سبب بهبود عملکرد مالی شرکت گردند . این پژوهش به چگونگی نقش شایستگی های سیستم اطلاعاتی و ویژگی های زیرساختی شرکت بر روی چابکی سازمان می پردازد. اگرچه هنوز به صورت قطعی اثبات نشده است که لزوماً شایستگی های فناوری اطلاعات به اثربخشی سازمانی منتهی می شود در عین حال بسیاری از شرکت ها اقدام به کارگیری فناوری دیجیتال در سطح وسیعی نموده اند اما موفق به چابکی سازمان نشده اند. (راوی چاندر، ۲۰۱۷) سیستم های دیجیتال فرصتی را برای شرکت ها فراهم می کنند که چابک باشند، اگرچه این موضوع به شایستگی های فناوری سازمانی شرکت نیز وابسته است. یکی از ظرفیت های ویژه هر سازمان نوآوری می باشد که می تواند به صورت اهرمی بر روی چابکی سازمان اثرگذار باشد.

شایستگی های فناوری فناوری اطلاعات یک نوع شایستگی سازمانی است که می تواند فعالیت ها و فرآیندهای کاری را از طريق مرتب کردن و گرد هم آوردن سایر منابع که داری اهمیت هستند حمایت کند و برای تشخیص و استقرار منابع مبتنی بر فناوری اطلاعات یا دیگر منابع و شایستگی ها مؤثر است. پیشرفت در شایستگی های فناوری فناوری اطلاعات بیش از دهه گذشته به سرعت چهره صنعت را تغییر داده است. به اشتراک گذاری اطلاعات باعث نگاه به جلو شرکتها،

بهبود برنامه ریزی تولید، مدیریت موجودی و توزیع می شود. این همکاری بر اثر وجود یک سیستم مؤثر و کارآمد فناوری اطلاعات تسهیل می شود. (سندرز و پروموس، ۲۰۰۵) شایستگی های فناوری فناوری اطلاعات به طور معمول عملکرد مالی شرکت را تحت تأثیر قرار می دهند و مدارج بالاتر کسب و کار آن را فراهم می کنند (موداس و جویینی، ۲۰۰۸) عملکرد مالی سازمانی یکی از مهمترین سازه ها در تحقق اهداف سازمانی و همچنین یکی از مهمترین سازه های مورد بحث در تحقیق های مدیریتی است؛ و بدون شک مهمترین معیار سنجش موفقیت شرکت های تجاری به حساب می آید. در این پژوهش فرض اساسی بدین ترتیب می باشد در صورتی که سازمان ها بتوانند از زیر ساخت فناوری اطلاعات برای چابکی سازمان با توجه به نقش نوآوری سازمان به نحو صحیحی استفاده نمایند می توانند عملکرد مالی بهتری را برای شرکت ایجاد نمایند.

پیشینه تجربی

شن و همکاران (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان "چگونه فناوری اطلاعات بر روی چابکی سازمان در بیمارستان ها اثر می گذارد" انجام دادند. این پژوهش با هدف ارزیابی فناوری اطلاعات انجام شده است و بلوغ و تأثیرات فناوری اطلاعات را بر کیفیت تصمیم و چابکی بیمارستانی مورد بررسی قرار داد. برای آزمون این مدل داده ها از بیمارستان ها و کلینیک ها جمع آوری گردید. نتایج نشان داد که کیفیت اطلاعات برای تصمیم گیری نقش مهمی در استفاده از هوش تجاری دارند و هم چنین نتایج بیانگر این بود که استفاده از فناوری اطلاعات می تواند باعث بهبود رضایت بیماران گردد.

راویچ هانداران (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان "بررسی شایستگی های فناوری اطلاعات، ظرفیت نوآوری و چابکی سازمانی" انجام دادند. این پژوهش نشان داد شرکت هایی که دارای شایستگی های فناوری اطلاعاتی بیشتری می باشند چابکی سازمانی بیشتری دارند. و هم چنین نتایج نشان

داد که ظرفیت نوآوری بر روی چابکی سازمان اثرگذار می باشد و در نهایت چابکی سازمان می تواند بر روی عملکرد کسب و کار اثرگذار باشد.

زین و همکاران (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان متغیرهای خارجی، سهولت استفاده درک شده، سودمندی درک شده، نگرش نسبت به استفاده، استفاده واقعی و چابکی سازمانی انجام دادند. از پرسشنامه جهت جمع آوری داده ها استفاده شده و در بین شرکت های تولیدی کشور مالزی توزیع شد. جهت آزمون فرضیه ها از مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد استفاده واقعی از فناوری اطلاعات بیشترین تأثیر مستقیم را بر چابکی سازمانی دارد. همچنین سهولت استفاده درک شده و سودمندی درک شده بصورت غیرمستقیم بر چابکی سازمانی تأثیر دارند.

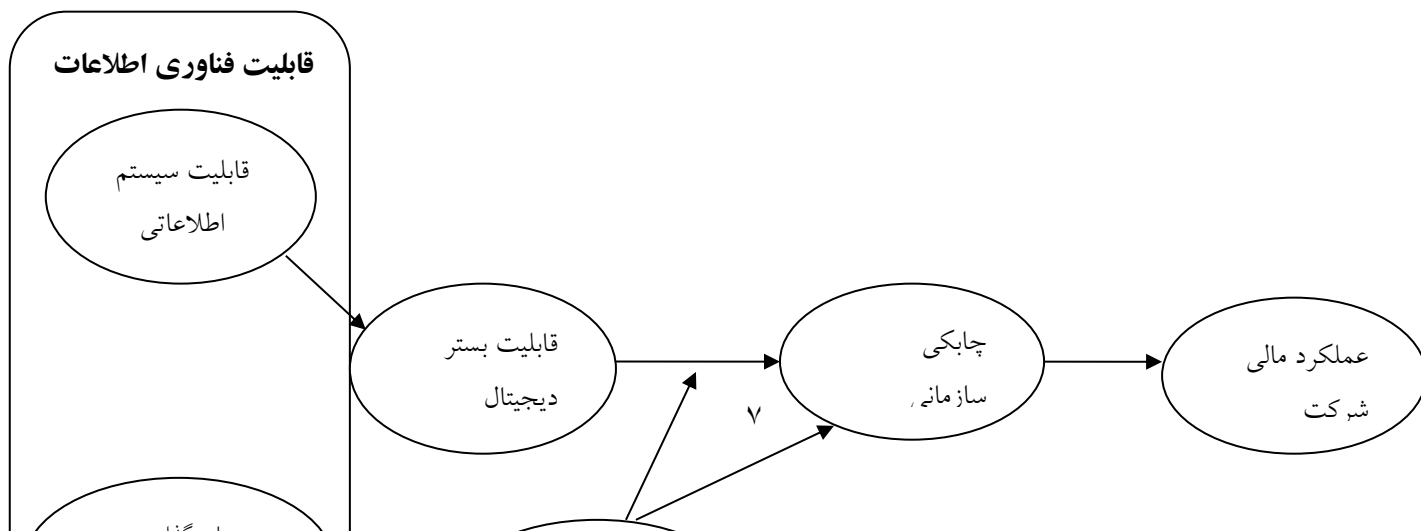
یوسف و همکاران (۲۰۰۹) مبانی رقابتی چابکی را سرعت، انعطاف پذیری، نوآوری، پیش نگر، کیفیت و سودآوری می دانند. آنها مدعی هستند که مبنای رقابتی پیشنهاد شده توسط آنها، یقیناً ویژگی های اساسی تولید چابک است که باید به صورت هم یارانه و سینرژیک به آنها دست یافت. در این چارچوب، یوسف و همکاران میان سه محور چابکی در سطوح مختلف سازمان تمایز قائل می شوند. چابکی مؤلفه ای اشاره ای به منابع فردی (افراد، ماشین آلات و مدیریت) دارد. چابکی خرد به سازمان دخالت داشته و چابکی کلان به سطح میان سازمانی می پردازد. این چارچوب شامل چهار مفهوم محوری، تشکیل سازمان مجازی، قابلیت بازسازی و تنظیم مجدد، و سازمان دانش محور، شایستگی های محوری به نیروی کار و محصولات سازمان دلالت دارند که در سطح فردی و سازمانی تعیین می شوند. شایستگی های محوری سازمان از فرایند یادگیری گسترده، یکپارچگی (ادغام) مهارت ها و فناوری های گوناگون، سازماندهی کار و قابلیت همکاری درون سازمان نشأت می گیرند.

با مروری بر ادبیات پژوهش در می یابیم که محققان صرفاً به دنبال این بوده اند که رابطه بین فناوری اطلاعات با چابکی سازمان را مشخص کنند و به همین دلیل در برخی از پژوهش فناوری اطلاعات نتوانسته به چابکی سازمان منجر شود به دلیل اینکه برخی متغیرهای تعدیلگر هستند که می توانند بر روی این رابطه اثرگذار باشند لیکن در این پژوهش سعی می شود که بدانیم که چگونه قابلیت های فناوری اطلاعات و ظرفیت های نوآوری شرکت به صورت مستقیم می توانند بر روی چابکی سازمان اثرگذار باشد. این پژوهش می تواند خلاهای تحقیقاتی که در خصوص ادبیات این موضوع وجود دارد را پر کند ابتدا اینکه تاثیر قابلیت های عملکرد مالی سیستم های دیجیتال از طریق متغیرهای تعدیل گر همچون نوآوری شرکت ها مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین این مطالعه می تواند نقش فناوری اطلاعات را بر روی چابکی سازمان و چالش هایی که سازمان ها نمی توانند فرایند چابکی را طی کنند مشخص نمایند. همچنین در این پژوهش با آزمون مدل، سطوح مختلف قابلیت های فناوری اطلاعات با توجه به نقش ظرفیت نوآوری سازمانی و چابکی سازمان مشخص می گردد و در نهایت می تواند نقش متغیرهای پژوهش را بر روی عملکرد مالی شرکت بررسی نمود.

مدل مفهومی پژوهش و فرضیه های تحقیق

با توجه به مطالب ارائه شده در بالا، مدل اولیه این پژوهش برای تدوین فرضیات بشرح شکل ۱ می باشد :

شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق



با توجه به مدل تحقیق فرضیه ها به شرح زیر تدوین گردید:

- ۱- بین قابلیت های بستر دیجیتال با چابکی سازمان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین قابلیت سیستم اطلاعاتی با قابلیت های بستر دیجیتال رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین گرایش به سرمایه گذاری در فناوری اطلاعات با قابلیت های بستر دیجیتال رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین ظرفیت نوآوری با چابکی سازمان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- ظرفیت نوآوری رابطه بین متغیرهای قابلیت های بستر دیجیتال و چابکی سازمان را تعدیل می کند.
- ۶- بین چابکی سازمان و عملکرد مالی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

جامعه آماری و نمونه تحقیق

جامعه تحقیق در این پژوهش مدیران و کارشناسان ارشد مناطق شهرداری بندرعباس می باشند که تعداد آنها ۱۲۹ نفر می باشد.

سنجش پرسش نامه

در این پژوهش به منظور گرد آوری داده ها از پرسشنامه استفاده شده است. سؤال های پرسشنامه در پژوهش حاضر شامل دو بخش می باشد. بخش اول؛ مربوط به سؤال های عمومی (جمعیت شناختی) است که شامل جنسیت، سن، میزان تحصیلات و سابقه کاری می باشد. بخش دوم؛ مربوط به سؤال های تخصصی است شامل ۲۴ سؤال بسته می باشد، که هریک از سوالات بخش تخصصی براساس مقیاس ۵ گزینه ای طیف لیکرت طراحی شده اند.

روایی و پایایی پرسشنامه

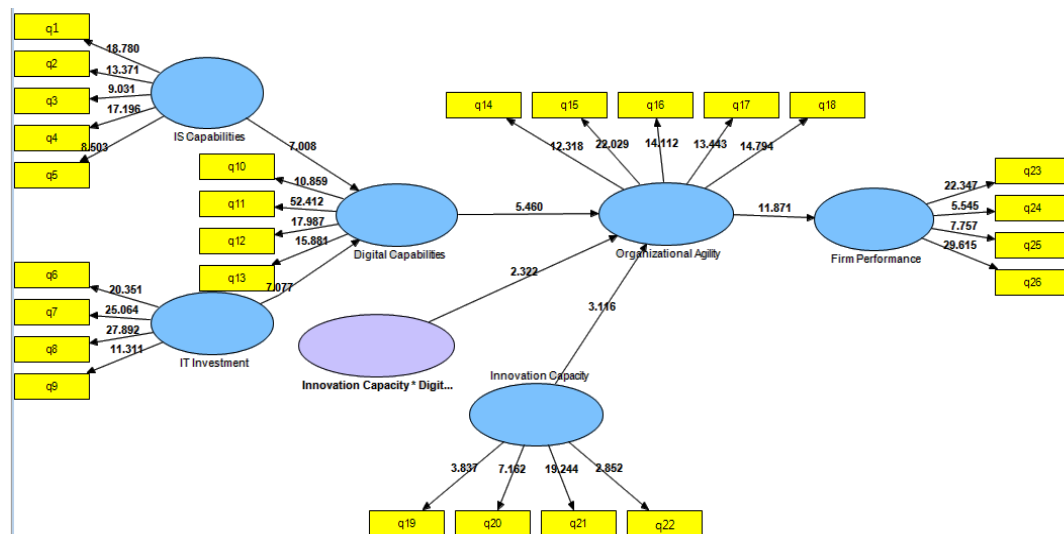
برای تعیین روایی، پرسشنامه طراحی شده برای بررسی روایی در اختیار متخصصین خبره و اساتید محترم راهنما و مشاور و سایر متخصصین قرار گرفته تعدیل و تصحیح گردید و روایی پرسشنامه تایید گردید.

یافته های پژوهش

روش های آماری مورد استفاده در این پژوهش را می توان به دو دسته روش های آماری استنباطی و روش های آماری توصیفی تقسیم کرد. برای بررسی و توصیف ویژگی های عمومی پاسخ دهندگان از روش های آمار توصیفی مانند جداول توزیع فراوانی و میانگین استفاده شده است. روش های آماری استنباطی مورد استفاده نیز در زیر به اختصار توضیح داده شده اند. همچنین تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده با نرم افزار SPSS صورت گرفته است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش برای رد یا تایید فرضیه‌ها از آزمون t value استفاده شده است، که نتایج آن مطابق شکل زیر می باشد، در صورتی که مقدار t -value بالاتر از ۱,۹۶ می باشد فرضیه پژوهش تایید می گردد، همچنین ضریب همبستگی نیز میزان رابطه بین دو متغیر را نشان می دهد.



نتیجه آزمون فرضیه	سطح معناداری	آماره t	ضریب علی	فرضیه های تحقیق
تایید فرضیه	$< 0/05$	۵,۴۶	۰.۶۰۸	۱- بین شایستگی های بستر دیجیتال با چابکی سازمان رابطه معناداری وجود دارد.
تایید فرضیه	$< 0/05$	۷,۰۰۸	۰.۴۰۷	۲- بین شایستگی سیستم اطلاعاتی با شایستگی های بستر دیجیتال رابطه معناداری وجود دارد.
تایید فرضیه	$< 0/05$	۷,۰۷	۰.۴۶	۳- بین گرایش به سرمایه گذاری در فناوری اطلاعات با شایستگی های بستر دیجیتال رابطه معناداری وجود دارد.
تایید فرضیه	$< 0/05$	۳,۱۱	۰.۴۳	۴- بین ظرفیت نوآوری با چابکی سازمان رابطه معناداری وجود دارد.
تایید فرضیه	$< 0/05$	۲,۳۲	۰.۳۴	۵- ظرفیت نوآوری رابطه بین متغیرهای شایستگی های بستر دیجیتال و چابکی سازمان را تعدیل می کند.
تایید فرضیه	$< 0/05$	۱۱,۷۴	۰.۶۹	۶- بین چابکی سازمان و عملکرد مالی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری

در فرضیه اول پژوهش به بررسی رابطه بین شایستگی بستر دیجیتال با چابکی سازمانی پرداخته شد. شایستگی بستر دیجیتال در این پژوهش تحت تاثیر دو بخش شایستگی سیستم های اطلاعاتی و سرمایه گذاری در فناوری اطلاعات می باشند. نتایج آزمون با استفاده از t-value نشان داد که بین شایستگی بستر دیجیتال با چابکی سازمان رابطه معناداری وجود دارد و از آنجا که ضریب مسیر بین این دو متغیر مثبت است بنابراین می توان نتیجه گرفت با افزایش شایستگی بستر دیجیتال شرکت ها چابکی سازمان نیز افزایش می یابد و سازمان ها

سریعتر می توانند به نیازهای مشتریان پاسخ دهند. راویچ هانداران (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان " بررسی شایستگی های فناوری اطلاعات، ظرفیت نوآوری و چابکی سازمانی " انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین شایستگی های بستر دیجیتال با چابکی سازمان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد که با نتیجه این پژوهش هماهنگ می باشد. در زمینه تحقیقات داخلی باشکوه و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان تأثیر قابلیت های فناوری اطلاعات بر چابکی کسب و کار انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بین شایستگی های بستر دیجیتال با چابکی سازمان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد که با نتیجه این پژوهش هماهنگ می باشد. در فرضیه دوم پژوهش به بررسی رابطه بین شایستگی بستر دیجیتال با شایستگی سیستم اطلاعاتی پرداخته شد. نتایج آزمون با استفاده از $t\text{-value}$ نشان داد که بین شایستگی سیستم اطلاعاتی و شایستگی بستر دیجیتال رابطه معناداری وجود دارد و از آنجا که ضریب مسیر بین این دو متغیر مثبت است بنابراین می توان نتیجه گرفت با افزایش شایستگی سیستم اطلاعاتی، شایستگی بستر دیجیتال شرکت ها نیز افزایش می یابد. راویچ هانداران (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان " بررسی شایستگی های فناوری اطلاعات، ظرفیت نوآوری و چابکی سازمانی " انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین شایستگی های بستر دیجیتال با چابکی سازمان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد که با نتیجه این پژوهش هماهنگ می باشد. در زمینه تحقیقات داخلی تحقیق مشابهی که رابطه بین شایستگی بستر دیجیتال با شایستگی سیستم اطلاعاتی را بررسی کند یافت نگردید. در فرضیه سوم پژوهش به بررسی رابطه بین گرایش به سرمایه گذاری در فناوری اطلاعات با شایستگی سیستم اطلاعاتی پرداخته شد. اساس این فرضیه بدین ترتیب می باشد که هر چه چقدر شرکت ها سرمایه گذاری بیشتری در بخش فناوری اطلاعات انجام دهند شایستگی بستر دیجیتال شرکت ها نیز افزایش می یابد. نتایج آزمون با استفاده از $t\text{-value}$ نشان داد که بین سرمایه گذاری در فناوری اطلاعات و شایستگی بستر دیجیتال رابطه معناداری وجود

دارد و از آنجا که ضریب مسیر بین این دو متغیر مثبت است بنابراین می توان نتیجه گرفت با افزایش سرمایه گذاری در فناوری اطلاعات ، شایستگی بستر دیجیتال شرکت ها نیز افزایش می یابد . راویچ هانداران (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان " بررسی شایستگی های فناوری اطلاعات ، ظرفیت نوآوری و چابکی سازمانی " انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بین شایستگی های بستر دیجیتال با چابکی سازمان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد که با نتیجه این پژوهش هماهنگ می باشد. در زمینه تحقیقات داخلی باشکوه و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان تأثیر قابلیت های فناوری اطلاعات بر چابکی کسب و کار انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بین شایستگی های بستر دیجیتال با چابکی سازمان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد که با نتیجه این پژوهش هماهنگ می باشد.

در فرضیه چهارم پژوهش به بررسی رابطه بین ظرفیت نوآوری با چابکی سازمان پرداخته شد. اساس این فرضیه بدین ترتیب می باشد که ظرفیت نوآوری می تواند چابکی سازمان ها را اثربخش تر نماید زیرا محصولاتی سریعاً تولید می شود که نوآوری دارد و مطابق با نیازهای مشتریان می باشد. نتایج آزمون با استفاده از t-value نشان داد که بین ظرفیت نوآوری و چابکی سازمان رابطه معناداری وجود دارد و از آنجا که ضریب مسیر بین این دو متغیر مثبت است بنابراین می توان نتیجه گرفت با افزایش ظرفیت نوآوری در شرکت ها ، چابکی سازمانی شرکت ها نیز افزایش می یابد . در فرضیه پنجم پژوهش به بررسی نقش تعدیلگر ظرفیت نوآوری بر روی رابطه بین شایستگی بستر دیجیتال و چابکی سازمانی پرداخته شد. شرکت ها می توانند با شایستگی بستر دیجیتال شرایطی را فراهم کنند که با جمع آوری اطلاعات از بازار، قابلیت مدیریت داده ها و همچنین توزیع آن بین واحدهای شرکت پاسخگوی سریع نیازهای مشتریان باشند، یک عامل کلیدی می تواند بر رابطه بین شایستگی بستر دیجیتال و چابکی سازمانی اثرگذار باشد و آن ظرفیت نوآوری در شرکت ها می باشند. شرکت ها باید قادر باشند که با استفاده از اطلاعات به دست آمده محصولاتی مطابق با نیاز مشتریان تولید کنند برای این کار نیاز به نوآوری و خلاقیت

بین اعضای سازمان می باشد. نتایج آزمون با استفاده از t -value نشان داد که که ظرفیت نوآوری رابطه بین شایستگی های بستر دیجیتال و چابکی سازمان را تعدیل می کند و از آنجا که ضریب ۳۴ مثبت می باشد این تعدیل در جهت مستقیم می باشد یعنی تاثیر متغیر تعدیل گر ظرفیت نوآوری بر روی شایستگی های بستر دیجیتال و چابکی سازمان مثبت و معنادار است. این یافته نشان می دهد رابطه بین شایستگی های بستر دیجیتال و چابکی سازمان توسط متغیر ظرفیت نوآوری تشدید می شود و با افزایش ظرفیت نوآوری ، شایستگی های بستر دیجیتال تاثیر بیشتری بر روی چابکی سازمان می گذارند. در مطالعات تطبیقی در مطالعات خارجی راویچ هانداران (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان " بررسی شایستگی های فناوری اطلاعات ، ظرفیت نوآوری و چابکی سازمانی " انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که ظرفیت نوآوری رابطه بین شایستگی های بستر دیجیتال و چابکی سازمان را تعدیل می کند که با نتیجه این پژوهش هماهنگ می باشد. در زمینه تحقیقات داخلی تحقیق مشابهی که رابطه تعدیلگر ظرفیت نوآوری را بر روی رابطه بین شایستگی های بستر دیجیتال و چابکی سازمان بررسی کند یافت نگردید. در فرضیه ششم پژوهش به بررسی رابطه بین چابکی سازمان و عملکرد مالی شرکت پرداخته شد. اساس این فرضیه بدین ترتیب می باشد شرکت هایی که استراتژی خود را چابکی سازمانی قرار داده اند به دلیل پاسخ سریع به نیازهای مشتریان می توانند عملکرد مالی بهتری نسب به رقبای خود داشته باشند. در حقیقت این گونه شرکت ها با افزایش چابکی سازمانی می توانند مزیت رقابتی برای خود ایجاد نمایند که نتیجه آن فروش بیشتر، دسترسی به بازارهای جدید و سود بالاتر می باشد. نتایج آزمون با استفاده از t -value نشان داد که بین چابکی سازمان و عملکرد مالی شرکت رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد و با افزایش چابکی سازمان عملکرد مالی شرکت ها نیز بهبود می یابد.

منابع تحقیق

۱. الفت، لعیاء و زنجیرچی، سیدمحمود (۱۳۸۹) تحلیل پوششی داده‌ها؛ رویکردی نوین در ارزیابی چابکی سازمانها. پژوهشهای مدیریت در ایران، ش ۱۴.
۲. باشکوه، محمد، شکسته بند، میترا. (۱۳۹۳) تأثیر قابلیت‌های فناوری اطلاعات بر چابکی کسب و کار. مطالعات مدیریت فناوری اطلاعات.
۳. خدابخشی، محمد، تولایی، روح‌الله، طیبی ابوالحسنی، سیدامیرحسین. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر فناوری اطلاعات در چابکی سازمان‌های تولیدی و خدماتی. سیاست نامه علم و فناوری.
۴. خسروی پور، الهام، امیرنژاد، قنبر. (۱۳۹۳). تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر چابکی سازمانی در دانشگاه‌های دولتی استان خوزستان (مورد مطالعه: دانشگاه شهید چمران اهواز). توسعه اجتماعی.

۵. خلعتبری، جواد. و حسینی طبق دهی، لیال. و زمانی، عباس (۱۳۸۹) تأثیر به کارگیری فناوری اطلاعات بر کارایی و اثربخشی کارکنان سازمان فنی و حرفه ای استان مازندران». فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی.

۶. عاشقی اسکویی، هوشنگ، آذری، موسی. (۱۳۹۴) بررسی رابطه ضریب نفوذ فناوری اطلاعات و چابکی سازمانی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مدیریت مهندسی و رایانش نرم

۷. مشبکی، اصغر، رضوانی زاده، محمدرضا و خرمگاه، سمانه سادات (۱۳۹۰) سنجش و بهبود سطح هوش رقابتی در شرکتهای خودروسازی با استفاده از الگوی QFD، فصلنامه بهبود مدیریت، سال پنجم، شماره ۳، ص ۸۱-۱۰۰

8. Bhatt, G. D., Grover, V. (2005). Types of Information Technology Capabilities and Their Role in Competitive Advantage: An Empirical Study. *Journal of Management Information Systems*, 22(2), 253-277
9. Ferrier, W.J., 2001. Navigating the competitive landscape: the drivers and consequences of competitive aggressiveness. *Acad. Manage. J.* 44 (4), 858-877.
10. Ferrier, W.J., Lyon, D.W., 2004. Competitive repertoire simplicity and firm performance: the moderating role of top management team heterogeneity. *Manage. Decis. Econ.* 25 (6-7), 317-327.
11. Lu, Y., Ramamurthy, K.(Ram), 2011. Understanding the link between information technology capability and organizational agility: an empirical examination. *Mis Quart.*, 931-954
12. Ravichandran, T. (2017). Exploring the relationships between IT competence, innovation capacity and organizational agility. *The Journal of Strategic Information Systems*.
13. Roberts, N., Grover, V., 2012. Leveraging information technology infrastructure to facilitate a firm's customer agility and competitive activity: an empirical investigation. *J. Manage. Inform. Syst.* 28 (4), 231-270.

14. Sambamurthy , V., Bharadwaj, A., Grover, V., 2003. Shaping agility through digital options: reconceptualizing the role of information technology in contemporary firms. *MIS Quart.*, 237–263
15. Sanders, N. R. & Premus, R. (2005). Modeling the relationship between firm IT capability, collaboration, and performance. *Journal of Business Logistics*, 26(1), 1-23.
16. Shen, C. C., Chang, R. E., Hsu, C. J., & Chang, I. C. (2017). How business intelligence maturity enabling hospital agility. *Telematics and Informatics*, 34(1), 450-456..
17. Tallon, P.P , Pinsonneault, A., 2011. Competing perspectives on the link between strategic information technology alignment and organizational agility:
18. insights from a mediation model. *MIS Quart.*, 463–486
19. Wheeler, B.C., 2002. NEBIC: a dynamic capabilities theory for assessing net-enablement. *Inform. Syst. Res.* 13 (2), 125–146.
20. Yang, C., Liu, H.M. (2012). Boosting firm performance via enterprise agility and network structure, *Management Decision*, Vol.50, No.6, PP.1022-1044